

حقوق تطبیقی

زنای محصن و محصنه Adultère

در حقوق جزائی فرانسه

قسمت اول - مقررات عمومی

بجهتی از جهات قانونی عروسی باطل باشد باز هم جرم مصداق پیدا نمیکند.

محکمه جنحه صلاحیت رسیدگی به اینکه آیا عروسی صحیحاً واقع شده یا باطل است نخواهد داشت.

ماده ۱۸۹ قانون مدنی چنین بیان میکند: اگر زوجین مدعی فساد و بطلان ازدواج شدند صحت یا بطلان آن بایستی قبلاً در محکمه حقوق طرح شده و حکم صادر شود. در محکمه حقوق مسئله صحت یا بطلان ازدواج از مسائلی است که قبلاً باید راجع به ایراد مزبور رسیدگی نمود و موضوع مزبور بایستی با عرضحال مستقل و جداگانه اقامه شود بطریق اولی در محکمه جزا بایستی کار از محکمه خارج شده و عرضحال جداگانه تنظیم و به محکمه حقوق داده شود در این مورد کار در محکمه جنحه تا صدور حکم از طرف محکمه حقوق بر صحت یا بطلان ازدواج بحال وقفه باقی مینماید.

۳ - قصد خائنانه - بایستی که روابط نامشروع عالماً عامداً و با اراده واقع شده باشد در صورتیکه زن

یکدیگر را برای مدت معینی ترك میکنند و اگر در خلال آن مدت مجدداً راضی به ادامه زندگانی زنانشین شدند برندگان اولیه خود ادامه میدهند در حقیقت رژیم مذکور بر زنی است بین طلاق و زندگانی عادی زن و شوهر.

۱ - تعریف - شرایط مشککه جرم - زنای محصن و محصنه عبارت است از اینکه مرد زن داریان شوهر داری روابط نامشروع با شخص دیگری غیر از زوج یا زوجه خود داشته باشد.

برای آنکه جرم مزبور که جنحه است وقوع یابد بایستی اولاً مقصر شوهر دار یا زن دار باشد ثانیاً قصد خائنانه در کار باشد (ماده ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۹ قانون مجازات عمومی) - ولی به دو شرط فوق الذکر که در تمام موارد جاری است شرایط دیگری بر حسب اینکه عمل از طرف شوهر یا زن واقع شده باشد اضافه میشود.

۲ - کیفیت زناشویی - جرم زناهی محصن و محصنه واقع نمیشود مگر اینکه رابطه نامشروع بین دو نفر شخص واقع شده باشد که یکی از آنها لاقل در قید زناشویی باشد بهمین جهت عمل زنا در صورتیکه مرتکب زن مطلقه باشد مصداق پیدا نمیکند (۱) اما اگر عمل زنا در موقع جدائی تن Separation de corps (۲) واقع شده باشد جرم صدق میکند زیرا زناشویی در این حال منحل نشده است و بقوت خود باقی است - و بالاخره در صورتیکه

(۱) ولی عمل زنا از طرف زن در صورتیکه در حین جریان محاکمه طلاق یا پس از صدور حکم و قبل از ثبت واقعه در دفتر ثبت طلاق واقع شده باشد جرم شناخته میشود.

(۲) توضیح - در قانون فرانسه رژیم مخصوصی موجود است که در صورت ناسازگاری زن و شوهر با شرایط مخصوص زوجین

قواعد مخصوص به تعقیب جرائم قضیه را تعقیب مینماید بنابراین چنین نتیجه میشود که :

اولاً شوهر مجبور نیست برای تعقیب جرم به صفت مدعی خصوصی قضیه را تعقیب نماید زیرا همینقدر که شکایت از طرف مشار الیه بعمل آمد مدعی العموم میتواند بدون دخالت او موضوع را تعقیب نماید ثانیاً مدعی العموم رأساً میتواند از رأی صادر استیناف یا تمیز بخواهد بدون اینکه محتاج بدخالت شوهر باشد ولی در عین حال باید متذکر شد که شکایت شوهر نتیجه مثل شکایتی است که در قضایای عادی از طرف مدعی خصوصی ها میشود زیرا که قاعده بر این جاری است که اعمال مجازات را قانون بدست مستخدمین صلاحیت دار سپرده است لذا برای اینکه مثلاً بگوئیم در يك موضوع جنائی مدعی العموم عملش تبعی است و بطور اصلی نمیتواند قضیه را از نظر اعمال مجازات تعقیب نماید بایستی نص خاصی این موضوع را تصریح کرده باشد و در مورد بحث نص خاصی وجود ندارد پس تعقیب جنبه عمومی از حق مدعی العموم شناخته شده .

۷- لزوم اعلام جرم قبلی شوهر - مدعی - العموم نمیتواند بدون اینکه شکایتی از طرف شوهر راجع به زنای محصنه شده باشد قضیه را تعقیب نماید (۳) این موضوع استثنائست به قاعده کلی که در جرمی که دارای جنبه عمومی است ممکن است بدون شکایت شخص ذی نفع تعقیب شود .

از نظر طریقه تنظیم شکایت بهتر این است که بر حسب مقررات ماده ۳۱ قانون اصول محاکمات جزائی رفتار شود یعنی یا خود شوهر و یا نماینده او یا مدعی العموم اگر شوهر درخواست کرده باشد تنظیم نماید و بایستی شکایت بامضاء مدعی العموم و شوهر یا نماینده او برسد معذک اگر مقررات ماده مزبور اعمال نشود شکایت ملفی الاثر

(۳) شوهری که زن خود را طلاق داده است نمیتواند شکایت نماید که در موقعیکه هنوز زناشویی برقرار بوده زنای محصنه را تم کرده است .

شوهر داری اشتباهاً تسلیم عمل نامشروع شده باشد جرمی واقع نمیشود مثلاً اگر مردی مشاهده کند که زن شوهر داری در خواب است و از موقع استفاده نموده و بجای شوهرش در رختخواب او برود و مرتکب عمل نامشروعی شود زن خاطی شناخته نشده و جرمی از ناحیه مشارالیهها واقع نشده است بهمین نحو شریک جرم (مرد) هم در صورتی که ثابت نماید که جاهل بوده است از اینکه زن شوهر داشته از مجازات معاف خواهد بود .

قسمت دوم - زنا از ناحیه زن (زنای محصنه)

۱- شرایط لازم برای وقوع جرم

۴- عنصر جرم - زنای محصنه وقتی محقق میشود که علاوه بر دو شرطی که فوقاً در تعریف جرم تشریح گردید عنصر دیگری نیز بر آن علاوه شود و آن عبارت است از موافقه Union sexuelle .

۵- موافقه - جرم زنا محقق نمیشود مگر اینکه دو نفر از جنس مختلف در آن شرکت داشته باشند بهمین جهت روابطی که زن شوهر داری با زن دیگری داشته باشد بهر اندازه زشت و ناپسند باشد حکایت از وقوع جرمی نمینماید و جای اعمال ماده ۳۳۷ قانون مجازات نیست علاوه بر این بایستی موافقه کاملاً انجام شده باشد بنابراین استماع و ملاحظه و نزدیکی های ناپسند که حتی مخالف اخلاق حسنه و عفت باشد privautés obscènes زنا نامیده نمیشود .

۲- تعقیب و مجازات

الف - حق شکایت و تعقیب جرم

۶- حق تعقیب جنبه عمومی جرم - در موضوع زنای محصنه بطوریکه بعداً ذکر خواهد شد قانون يك اختیار استثنائی به شوهر داده است .

اما مقرراتی که تعقیب موضوع را فقط حق شوهر دانسته است که در صورت انصراف موضوع تعقیب نخواهد شد حق تعقیب جنبه عمومی جرم را بشوهر نداده و تعقیب جنبه عمومی جرم مربوط به مدعی العموم است که بر حسب

نمیباشد کافی است که شوهر صریحاً و بطور واضح مقصد خود را برای تعقیب زن بیان کرده باشد مع الوصف اگر شکایت شرایطی را که قانون مقرر داشته واجد نباشد خصوصاً موقیمیکه شوهر فراموش کرده است شکایتنامه خود را امضا کند حتی پس از اینکه قضیه تعقیب شده باشد نیز ممکن است شکایتنامه را از نظر حسن انتظام بامضاء مشار الیه رسانید (۴).

اگر در اثر حوادث یا پیش آمد های اضطراری شکایتنامه از بین رفته باشد مدعی العموم ممکن است بطریق مختلف مثل اینکه شکایت عادی در موع خود باو داده شده است مدارک را جمع آوری نماید در این صورت از نظر رعایت تشریفات و اصول محاکمات نقضی وارد نیست و تعقیب قضیه جریان پیدا میکند بالاخره کافی است که شکایت قبل از تعقیب شده باشد شکایت شوهر باعث میشود که در عین حال زن خود و شریک جرمش تعقیب شوند و بهمین طریق رفتار میشود یعنی شریک جرم مجازات خواهد شد در صورتیکه شریک جرم مزبور خودش زن داشته باشد و زانش از نظر تعقیب شوهر خود بی طرف بماند حتی اگر شریک جرم در خانه ای که عادتاً با زن خود زندگی میکند *Maison conjugale* موسی *Concubine* نگاه داشته باشد (با اینکه این عمل جنبه مخصوصی را تشکیل میدهد) و زانش شکایتی هم از این عمل نداشته باشد تأثیری در تعقیب شوهر ندارد زیرا شوهر از نقطه نظر اینکه با زن دیگری زنا کرده است مجازات میشود رضایت یا عدم رضایت زن خودش نیایستی تأثیری در مجازات او بنماید و عمل او را که بحق دیگران صدمه زده مباح نماید.

۸ - تقابح اعراض و انصراف شوهر از تعقیب جرم -

(۴) بنا بر این اگر مدعی العموم درخواست نماید که شکایتنامه امضا شود محکمه مکلف است کار را شوقف کرده و مهلتی بدهد که شکایتنامه تکمیل شود.

(۵) در فرانسه اتفاق می افتد که مردی بازنی بدون داشتن علقه زوجیت مدتی زندگانی میکند و مؤانسه دارند بنا بر این زن *Concubine* یا مونس نامیده میشود.

اگر در خلال جریان و تعقیب موضوع شوهر از تعقیب شکایت خود منصرف شد دیگر تعقیبی بعمل نمی آید این انصراف در عین حال درباره شریک جرم نیز مؤثر است (۶) در این فرض لازم نیست که شوهر اجبار داشته باشد مجدداً زن خود را که طلاق گفته است ازدواج کند.

اگر شوهر بعد از تقدیم شکایت با زن خود آشتی کرده باشد این عمل بمنزله انصراف از تعقیب تلقی خواهد شد اگر چه مدت آشتی مزبور خیلی هم کوتاه باشد شکایت بی اثر میشود - پس از اینکه شوهر از تعقیب شکایت منصرف شد یا با زن خود آشتی کرد مجدداً نمیتواند قضیه را تعقیب نماید - اگر شوهر پس از تعقیب قضیه بپیرد فوتش بمنزله انصراف از شکایت تلقی نخواهد شد و مدعی العموم جنبه عمومی جرم را تعقیب مینماید زیرا صحیح است که شوهر فقط حق دارد در اثر شکایت خود قضیه را در دست اقدام و تعقیب قرار دهد ولی در عین حال جرم دارای جنبه عمومی است و مربوط بانظامات عمومی میباشد پس از همین نقطه نظر پس از مرگ شوهر هم قضیه قابل تعقیب میباشد.

در صورت انصراف شوهر از تعقیب زن خود اگر بعنوان مدعی خصوصی وارد نشده باشد تمام مخارج محاکمه بعهده خزانه دولت است و نمیتوان متهمین را محکوم به پرداخت و جرم مزبور نمود زیرا محکوم کردن متهمین پرداخت وجه در حقیقت بطور غیر مستقیم تشخیص دادن تقصیر آنهاست از نقطه نظر جرم (یعنی زنا) و راجع بشوهر هم اگر صرفاً بعنوان شاکی و اعلام کننده جرم قضیه را تعقیب کرده باشد باید گفت که در زمره اصحاب دعوا محسوب نمیشود زیرا چون جرم دارای جنبه عمومی است از طرفی مدعی العموم و از طرف دیگر متهمین طرفین دعوا هستند و محکومیت شوهر بپرداخت مخارج

(۶) بعداً خواهیم دید که اگر محکومیت بدرجه تطهیر رسیده باشد انصراف شوهر از تعقیب زن خود درباره شریک جرمش مؤثر واقع نمیشود.

محاكمه بيمورد است .

۹ - عفو شوهر پس از محكوميت - حتمی است از اينكه زن محكوم شود و حكم هم بدرجه قطعيت برسد شوهر حق دارد زن خود را عفو نموده و مجدداً باهم زندگانی نمايند .

(ماده ۳۳۷) ولی در اين حال شريك جرم از عفو مزبور

استفاده نمينمايد .

بنابراين چنين نتيجه ميشود كه اگر در موقعي كه شوهر با زن خود آشتی كند ، ماست حكم محكوميت نسبت به زن اعتبار شيمی محكمه بها *Antorité de la chose jugée* پيدا نموده باشد و لسی نسبت بشريك حرم كه در موقع خود اعتراض داده يا استيناف خواسته است هنوز محاكمه ادامه داشته باشد فقط زن ميتواند از عفو شوهر استفاده نمايد . اگر در عكس آشتی بعد از تاريخ حكم واقع شود ولی از حكم مزبور استيناف خواسته باشند . بنا بر اين حكم قطعی نشده است زیرا در نتيجه

خواستن استيناف كار بجريان افتاده است .

لذا شريك حرم استفاده از عفو شوهر خواهد كرد - بهمين طريقه اگر آشتی در مدت مهلت استيناف اتفاق افتد و استيناف خواسته نشده باشد باز هم شريك استفاده از عفو شوهر خواهد كرد زيرا كه در موقعيكه آشتی واقع شده است حكم قابل اجرا نبوده و مهلت استيناف منقضی نشده بوده و بالاخره اعتبار شيمی محكوم بها پيدا نكرده است .

۱۰ - اعتراضات و ايرادات در محكمه - ذيل اقسام

مختلف اعتراضات و ايرادات كه ممكن است بر شكایت شوهر وارد شود بيان ميشود :

الف - بطلان ازدواج - چنانچه در نمره ۲ فوقاً

گذشت در موقعي كه زوجين مدعی فساد يا بطلان ازدواج شوند صحت يا بطلان آن بايستی قبلاً در محكمه حقوق طرح شده و حكم صادر شود و محكمه جنحه بايد طرفين را بمحكمه حقوق هدايت نمايد در حكم محكمه جنحه در عين حال بايد مهلت كوتاهی معين شود كه در مدت مذکور

زن كه مدعی بطلان ازدواج شده است و ايراد كرده بقاضی صلاحيت دار (محكمه حقوق) مراجعه نموده و احقاق حق نمايد و الا ادعا بلا دليل تلقی ميشود .

ب - ايراد مرور زمان - زنا منكب از اعمال مجزا و متمايزی است باين معنی كه هر مرتبه كه عدل مزبور واقع ميشود حرم اتفاق ميافتد بنابراین مرور زمان از آخرين مرتبه كه ارتكاب شده است شروع ميشود .

ج - آشتی - (مراجعه به نمره ۸ كه فوقاً ذكر شد شود) .

د - زنا از ناحيه شوهر در صورتيكه شوهر در منزلی كه عادتاً با زن خود زندگانی مينمايد *Maison conjugale* مونسى *Coneubine* برای خود نگهـاء دارد

حق ندارد زن خود را بعنوان زنای محصنه تعقيب نمايد (ماده ۳۳۶ قانون مجازات) ولی زن هم حق ندارد در جريان محاكمه بشوهر خود اعتراض نموده و مدعی شود كه او هم زنای محصن كرده است بنا بر اين شكایتش وارد نيست فقط ميتواند حكمی بر عليه او ارائه نمايد كه تقصيرش را ثابت نمايد باين معنی كه اگر ادعای او مستند بحكمی باشد كه بر عليه شوهرش صادر شده اعتراض پذيرفته ميشود ولی لازم نيست كه صدور حكم قبل از تقديم شكایت شوهر باشد ممكن است حكم در حين جريان محاكمه صادر شده باشد .

در صورتيكه ادعای زن مستند بحكم محكمه باشد محكمه بايستی تا موقعي كه تكليف اعتراض زن (راجع باينكه شوهرش زنای محصن مرتكب شده) جريان كار (شكایت شوهر) را بتاخير اندازد ولی بايد متذكر بود كه زن در هر مورد نمیتواند مادام كه شوهر او را بعنوان زنای محصنه تعقيب كرده است در محكمه اعتراض نمايد باينكه چون شوهرش مرتكب زنای محصن شده بنابراین شكایتش از مشارالیها وارد نيست فقط در موردی ميتواند استناد باين موضوع نمايد كه زنای محصن (از ناحيه شوهر) با آنها مشارالیها (زنای محصنه) كه از طرف شوهر تعقيب

انحصار در ماده ۳۳۸ پیش بینی شده بر علیه او ابراز نشده است مانع از محکومیت مجرم اصلی نمیباشد

۱۲- جرم مشهود- به محض این که شکایت راجع بزناى محصن یا محصنه بسیار که شد مدعی العموم دستور تحقیقات صادر میکند سپس قاضی تحقیق پلیس یا بهر ضابط عدلیه ای که معاوین مدعی العموم شناخته میشوند کار را ارجاع میکند و دستور میدهد که بمنزلی که ممکن است متهمین در آنجا باشند بروند که یسر پایش یا ضابطین عدلیه صبح زود بمحل مزبور میروند که متهمین را در حالی که با هم خوابیده اند دستگیر نمایند بایستی از نظر محو نمود که بازرسی در منازل همیشه بایستی روز بهل آید یعنی از اول ماه اکتبر تا ۳۱ مارس بین ساعت ۶ صبح و ۶ عصر و از اول آوریل تا ۳۰ سپتامبر بین ساعت ۴ صبح و ۹ عصر

در عدل اتفاق می افتد که مدعی العموم بدون این که تحقیقات را بمستنطق ارجاع نماید مشاهده جرم مشهود را بگلا نتری یا ضابطین عدلیه مراجعه مینماید ولی این ترتیب ممکن است مضار زیادی داشته باشد مثلاً مشاهده و عمل ضابط عدلیه اگر در منزل شریک جرم بهل آید باطل خواهد بود (زیرا ضابط مامور بوده است که در منزل زن فرضاً بازرسی نماید بنا بر این حق نداشته در منزل دیگری وارد شود) و یا در هر محلی که يك نفر ضابط عدلیه بدون این که قراردی از طرف مستنطق صادر شود نمیتواند وارد شود لکن در موارد ذیل ضابط حق دارد وارد شده و بازرسی ادامه دهد

اگر متهمین در منزلی باشند که مهد برای هرزگی و سوء شهرت دارد ضابطین عدلیه در هر ساعتی میتوانند داخل شده بازرسی نمایند

اگر منزلی را شوهر برای زن خود اجاره کرده باشد میتواند در هر ساعتی بازرسی را از مدعی العموم یا ضابطین عدلیه درخواست نماید زیرا شوهر رئیس منزل

شده است مقارن و معاصر باشد یعنی فاصله این دو ارتکاب زیاد نباشد بنابراین این اگر موئسی از خانه زنا شوئی **Maison Conjugale** خارج شده باشد و شوهر او را ترك نموده و جنحه مرور زمان شده باشد یا اینکه قبلاً راجع بزناى محصن زوجین بایکدیگر صلح کرده باشند و بعداً شوهر از زن خود بعنوان ارتکاب زناى محصنه شکایت نموده باشد جریان محاکمه اشکال ندارد و قضیه بایکدیگر ارتباط نخواهد داشت

۵- شرکت شوهر در گمراهی زن خود- شرکت شوهر در گمراه کردن زن خود و ادا نمودن او بفساد اخلاق مانع از این نیست که شوهر بتواند بر علیه مشارالیها شکایت بعنوان زناى محصنه بنماید بالاخره این قسم اعتراض و ایراد از ناحیه زن پذیرفته نیست و در قانون تصریح نشده است و حتی در ۱۸۱۰ در موقع تدوین قانون مجازات عمومی در شورای دولتی **Conseil d' Etat** قیده بررد آن داشته است فقط ممکن است اعتراض و ایراد مزبور از اسباب مخففه جرم محسوب شود و در مجازات زن از این راه تخفیفی داده شود

ب - مدرک جرم

۱۱- قواعد عمومی - زنا از ناحیه زن ممکن است با طرق مختلفه که برای اثبات مقرر است به ثبوت برسد (۷) راجع بارتکاب زنا از طرف شریک جرم و اثبات آن قواعد مخصوصی در ماده ۳۳۸ پیش بینی شده است تنها مدرکی که ممکن است بر علیه مشارالیه سندیت داشته باشد علاوه بر دستگیری او در موقع ارتکاب جرم مشهود نامه او و اوراقی است که متنسب باو باشد ولی تبرئه شریک جرم بعنوان این که مدارک فوق الذکر که با قید

۷- مدرک اثبات جرم ممکن است نامه های کتبی که زن انشاء کرده و یا برای او نوشته اند و شوهر بدست آورده باشد بهر طریق که نامه های مزبور تحصیل شده باشد هر کس فرستنده آن باشد نامی برای ابراز و مدرک قرار دادن آن نخواهد بود فقط شوهر مجاز نیست برای تحصیل آنها مرتکب جرم بشود

شناخته میشود و میتواند تقاضای رسیدگی بهر جرمی ولو
مشهود نباشد بنماید

باید دانست که لازم نیست حتما جرم مشهود
بوسیله ضابطین عدلیه ملاحظه شود و طریق اثبات منحصر
باین راه نیست چیزی که لازم است این است که پیشگی از
طریق اثباتیه قضیه ثابت شود مثلاً بوسیله شهادت شهود که
در موقع ارتکاب جرم ملاحظه کرده باشند

ماده ۳۳۸ شهادت هائی را که مربوط بفرع عمل
باشد و عمل زنا را با فرضیات محقق نماید قابل قبول
ندانسته بالاخره لازم نیست که مجرمین درحالی که عمل
کامل فی المحکمه [n rebus ipsis veneris] انجام میشود
دستگیر شده باشند بقول فقها درحال ایلاج بوده باشد
کافی است دروضعیتی مشاهده شده باشند که محقق
شود مشغول انجام عمل زنا بوده اند .

محاکم اختیار وسیعی برای تشخیص اینکه جرم
مشهوداً واقع شده است یا نه ندارند دیوان عالی تهریز
بایستی اعمالی که اتفاق افتاده است و بنظر محکمه محقق
میباشد از نظر مشهود بودن جرم رسیدگی نموده وبدون
اینکه وارد درماهیت آن شود معلوم نماید که اعمال مزبور
منطبقات حاکی از وقوع جرم مشهود است یاخیر .

۱۳ - نامه ها و اوراق دیگری که از ناحیه متهم صادر
شده است - ماده ۳۳۸ نامه ها و اوراقی که از طرف شریک
جرم صادر شده است مدرک اثبات جرم تلقی مینماید مدارک
کتابی ممکن است .

اولاً - در اثر تحقیقاتی که مستنطق از شریک جرم
کرده است و یا ماضا اورسیده و یا ضابطین عدلیه بعمل آورده اند
تحصیل شود .

ثانیاً - صورت مجلس های امنیه یا ما مورین پامس
که حاوم اقرار و امضاء شریک جرم باشد (۹) .

۸ - چون اصطلاح مزبور بزبان لاتن است کلمه به کلمه
ترجمه میشود in یعنی در Rebus شیئی Ipsis خود آن
آلی تاسلی عبارتی اخری یعنی شئی در خود آلی تاسلی معامده شود
(۹) اگر شریک جرم بعلت بر روانی امضاء نکرده باشد
باز هم صورت مجلس مدرک واقع میشود .

ثالثاً ورقه تولد یا ورقه که بموجب آن شریک جرم
اظهار داشته است طفلی که از فلان زن بدنیآ آمده است
بچه اوست (مقصود زنی است که بر علیه او بعنوان زنا
محصنه اقامه دعوا کرده اند) - قانون قوه اثباتیه مدارک
و ارزش آنها را به تشخیص قاضی واگذار نموده است -
اقرار متهم در جلسه محاکمه مدرک کتبی که از ناحیه او
صادر شده باشد محسوب نیست بنابراین تقصیر او را ثابت
نمینماید و بر علیه او مدرک نمیشود و بطریق اولی اقرار
زن بر علیه شریک جرمش مدرک نیست .

ج - جزا - شرح جرم و کیفیت آن در متن حکم

۱۴ - مجازات - مجازات عبارت است از سه ماه
حبس حد اقل و دو سال حد اکثر شریک جرم اضافه
براین از ۱۰۰ فرانک تا ۲۰۰۰ فرانک جزائی نقدی
محکوم خواهد شد (ماده ۳۳۷ و ۳۳۸ قانون مجازات) .

۱۵ - شرح جرم و کیفیت آن در متن حکم
الف) راجع بزنا - چون از فلان جا
مورخه از بابت زناى محصنه مقصر شناخته شد
لذا

ب) راجع بشریک جرم - چون در فلان جا
مورخه از بابت زناى محصنه که فلان زن مرتکب
شده است شریک جرم شناخته شد لذا

قسمت سوم

زنا از ناحیه شوهر (زناى محصن)

۱ - شرایطی که برای تشکیل جرم لازم است
۱۶ - عنصر جرم - زناى محصن قابل مجازات
نیست مگر اینکه شوهر درخانه که عادتاً با زن خود
زندگانی میکند مونسى Concubine نگاه دارد .

بنابراین دو شرط بایستی برای تشکیل جرم دربین
باشد در وهله اول بایستی اعمال زنا در خانه که عادتاً شوهر با زن
خود زندگانی میکند Maison Cojugale (باخانه زناشوئی)
اتفاق افتاده باشد - مقصود از Maison Cojugale محل

نمیکنند ولی در تمام مدت محاکمه جدائی تن مسکن شوهر خانه زنا شوئی تبیر میشود اگرچه زن با اجازه رئیس جمهور جای دیگر اقامت داشته باشد.

۲- در وهله نانی بایستی که مونس را در خانه زنا شوئی نگاه داشته باشند باین معنی که ارتباط و معاشرت شوهر و مونس بایستی بی مانع و متوالی بوده باشد یک عمل جدا و منفرد زناى محصن قابل مجازات نیست

۲- تعقیب و مجازات

الف- حق شکایت و تعقیب جرم

۱۷- لزوم اعلام جرم قبلی زن - زنا از ناحیه شوهر (زناى محصن) تعقیب نمیشود مگر بر اثر شکایت زن (ماده ۳۳۹ قانون مجازات) در این مورد بایستی قواعدی که فوقاً در نمره ۷ بان اشاره شد معمول داشت

۱۸- نتایج اعراض و انصراف زن از تعقیب جرم - اگر تعقیب شروع شده باشد آیا با انصراف زن از تعقیب شوهرش جنبه عمومی جرم از بین خواهد رفت ؟ باید دانست اختیاری که بشوهر داده شده که بتواند جلوگیری از آثار محکومیت بنماید استثنائی است و هیچ مقررات قانونی چنین حقی را به زن نداده است و میتوان این اختیار را از طریق مشابهت درباره زن نیز قائل شد مع الوصف قضیه قابل تأمل و نظر است حالیه قبول کرده اند که اعراض و انصراف زن فقط از تعقیب شوهر خود جنبه عمومی جرم را نیز خاموش میکند و از بین خواهد برد.

لکن زن حق ندارد پس از اینکه رضایت بادامه زندگانی زناشوئی داد مجازاتی را که قبلاً شوهر محکوم به آن شده است عفو نماید .

۱۹- اعتراضات و ایرادات در محکمه - شوهر تنها اعتراض و ایرادی که میتواند در مقابل ادعای زن خود در محکمه بنماید عبارت است از :

بطلان ازدواج - طلاق یا آشتی که قبل از شکایت زن واقع شده باشد و یا ایراد مرور زمان بنابراین شوهر نمیتواند برای تبرئه خود استناد به زناى محصنه از ناحیه

اقامت شوهر است که در آن محل زن مسکن دارد یا حق مسکن داشتن را دارد بنابراین بایستی چنین نتیجه گرفت که: اگر شوهر فقط در چند اتاق (Appartement) از یک خانه زندگانی کند تمام منزل خانه زناشوئی محسوب نمیشود و Maison conjugale در این مورد فقط اطلاق بهمان چند اتاق خواهد شد - لازم نیست خانه زناشوئی مسکن عادی و عمده زوجین باشد یا اینکه محل اقامت قانونی شوهر باشد و نیز لازم نیست عملاً زن در مسکنی که شوهر مونس خود را نگاه داشته است سکنی داشته باشد یا اینکه ممکن است در آن محل زن هیچوقت با شوهرش سکنی نکرده باشد - حال باید دید در صورتیکه عین مستأجره بنام مونس اجاره شده باشد و تمام هزینه های متفرقه منزل را نیز از قبیل حق الشرب و برق و غیره مونس مزبور بپردازد باز هم میتوان اطلاق منزل زناشوئی بخانه مزبور نمود ؟ در اینجا باید قائل به تفصیل شد اگر خانه واقفاً مربوط بمونس است بایستی خانه زناشوئی فرض شود زیرا زن مشروع و قانونی شوهر نمیتواند ادعا نماید که معمولاً در خانه مزبور از طرف شوهرش پذیرائی میشود ولی غالباً ممکن است اجاره منزل باسم مونس شده باشد و تمام هزینه های متعلقه بمنزل را هم مونس بپردازد در صورتی که این عمل صوری و ظاهر سازی بیش نباشد و در معنی مرد عهده دار پرداخت مال الاجاره و غیره باشد بنابراین اگر ثابت شد که شوهر برای ظاهر سازی مبادرت بچنین اقدامی نموده است جای اعمال ماده ۳۳۹ قانون مجازات میباشد (راجع به مجازات زناى محصن است) بنا بر این بدو بایستی موضوع فوق الذکر تشخیص شود .

بایستی متذکر شد که پس از این که جدائی تن Separation de corps بطور قطعی واقع شد (۱۰) موضوع خانه زناشوئی دیگر منتهی شده و مصداق خارجى پیدا

۱۰- در کشور فرانسه پس از اینکه زندگانی زن و مرد غیر قابل تحمل شد زوجین تحت شرایط معینی مدتی از یکدیگر جدا میشوند در این دوره Separation de corps بین آنها در حال ممکن است پس از مدت معینی مجدداً زندگانی زناشوئی را شروع نمایند یا اینکه تفرقه حاصل نموده و با مقررات خاصی طلاق واقع شود

زن خود بنماید زیرا ماده ۳۳۹ که بزن اجازه میدهد بر علیه شوهرش شکایت نماید این شکایت را معلق به هیچ شرطی نکرده است و برفع شوهر استثنائی که ماده ۳۳۶ برفع زن مقرر داشته است شامل نمیشود.

ب - مدرك جرم

۲۰ - اعمال اواعد معمولی - اثبات جرم بر علیه شوهر و شريك جرمش ممكن است بطريقى كه در ساير دعاوى معمول است حاصل شود.

ج - مجازات - شرح جرم و كيفيت آن در متن حكم.

۲۱ - مجازات - مجازات زناى محصن كه شوهر مرتكب شريك شده است جزيره نقدى از ۱۰۰ الى ۲۰۰۰ فرانك است (ماده ۳۳۹ قانون مجازات) ماده مذکور در باره مجازات مونس ساكت است بهمين جهت ترديد كرده اند

که آیا میتوان او را تعقیب نمود و طبق ماده فوق الذکر مجازات کرد؟ لکن بدیهی است در صورتیکه جرم تحقق پیدا کند قواعد عمومی شرکت در جرم نیز در باره او باید اعمال شود و مونس طبق ماده ۶۰ قانون مجازات ممکن است تعقیب شود.

۲۲ - شرح جرم و کیفیت آن در متن حکم

الف - راجع به شوهر - چون در فلان جا ... مورخه در خانه زناشوئی مونس نگاه داشته است لذا

ب (راجع به مونس) چون با علم و اطلاع در جرم زناى محصن به نحويكه فوقاً مذکور شد بازيد مذکور شركت كرده است لذا

ش. امير علائى



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی